

«دلم می خواهد» نمک زندگی است که اگر زیاد باشد،**زندگی شور می شود!**

خانواده محلی است که در آن زشت است انسان زیاد بگوید «دلم می خواهد». یعنی نباید مدام به فکر تأمین دل‌بخواهی‌های خودش باشد. البته نه اینکه هیچ‌وقت دلم می خواهد نگویید ولی خیلی کم! عده‌ای به خانه امام حسین (ع) رفته بودند و با دیدن برخی لوازم منزل، به حضرت گفتند: «شما فرش‌ها و پُشتی‌های خوب و قشنگی برای خانه خود تهیه کرده‌اید!» حضرت فرمود: «همسرم این‌طور دلش خواسته است» (امام صادق (ع): دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَرَى فِي مَنْزِلِكَ أَشْيَاءَ نَكْرَهُهَا وَإِذَا فِي مَنْزِلِهِ بُسْطٌ وَ تَمَارِقُ فَقَالَ ع إِنَّا نَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَنُعْطِيهِنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ مَا شِئْنَا لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ؛ کافی/۴۷۶/۱) این یعنی امام حسین (ع) با دل همسرش راه آمده است، البته این دل‌بخواهی‌ها گاهی باید تأمین شود ولی متأسفانه بعضی‌ها همه‌اش سعی می‌کنند دل‌بخواهی‌های خودشان را در خانه تأمین کنند که این اشتباه است. «دلم می خواهد» مثل نمک غذاست که فقط یک مقدار کمی، باید استفاده شود، «دلم می خواهد» هم نمک زندگی است که اگر زیاد باشد، زندگی شور می‌شود!

بچه باید «مبارزه با هوای نفس» را در رفتار پدر و مادرش ببیند/ تشویق و تنبیه‌هایی که بچه را بی‌تربیت می‌کند

پایه اصلاح نفس مبارزه با هوای نفس است و پدر و مادری که این را در عمل و رفتار خودشان به بچه یاد ندهند و در خانواده این تجربه را به بچه ندهند،

باید انتظار داشته باشند که فرزندشان اصلاح شود و خوب بار بیاید. پدر و مادری که وقتی عصبانی شوند هر چه دلشان بخواهد به زبان می‌آورند، طبیعتاً بچه آنها هم هر کاری دلش بخواهد، انجام خواهد داد! بچه باید در رفتار پدر و مادرش ببیند که بارها عصبانی شده‌اند، ولی چیزی نگفته و فقط لبخند زده‌اند. اگر بچه این را ببیند، می‌فهمد که خیلی جاها باید علی‌رغم هوای نفسش رفتار کند و پا روی نفسش بگذارد.

اگر پدر و مادر، موقعی که عصبانی هستند بچه خود را تنبیه کنند، و موقعی که خوشحال و سرحال هستند بچه را تشویق کنند، این بچه تربیت نمی‌شود بلکه بی‌تربیت خواهد شد! چون بچه پیش خود می‌گوید: «ملاک تشویق و تنبیه، رفتار درست و غلط من نیست، بلکه ملاکش حال خوب و بد پدر و مادر من است! آنها هر وقت سرحال باشند می‌بخشند و هر وقت عصبانی باشند نمی‌بخشند و مجازات می‌کنند» وقتی رفتار پدر و مادر باعث شود که بچه این‌طور نتیجه‌گیری کند، طبیعی است که این بچه هم طبق هوای نفسش عمل کند.

مهم این است که بچه در رفتار و گفتار پدر و مادرش مبارزه با هوای نفس ببیند، و الا هرچقدر کارهای خوب از پدر و مادرش ببیند (و این کارهای خوب توأم با مبارزه با نفس نباشد)، در تربیت بچه فایده‌ای نخواهد داشت. چون کارهای خوبی که مثلاً از پدرش دیده، معمولاً از روی عشق و حال انجام شده، یعنی «عشقش کشیده-هوس کرده- و کار خوب انجام داده»، لذا بچه هم عشقی- یعنی هوسی- بار می‌آید! شما هر وقت عشقت کشیده نماز خواندی و هر وقت عشقت نکشیده نماز خواندی، و سایر کارهای خوبت را هم از روی عشق و حال انجام داده‌ای، لذا بچه‌ات هم همین‌طور عشقی و هوسی بار آمده و حالا هر کاری عشقش بکشد انجام می‌دهد! یعنی بر اساس هوای نفسش رفتار می‌کند، و این را از خودت یاد گرفته است.

هر زن و شوهری برای خانواده خودشان باید مقرراتی بگذارند؛ مثلاً اینکه چه ساعتی بخوابند و چه ساعتی از خواب بیدار شوند،

زمان صبحانه و شام چطور باشد و حتی اگر طبق برنامه عمل نکردند برای خودشان مجازات‌هایی تعیین کنند. اگر پدر و مادر این مسایل را رعایت کنند، بچه‌ای که در چنین خانواده‌ای تربیت شود، طبیعتاً خیلی باادب خواهد بود.

امام حسین (ع) ادب فرزندانش را در کربلا و کوفه و شام به رخ کشیده است. این بچه‌ها به حدی باادب بودند که یکی از فرمانده‌های لشکر یزید که از کوفه تا شام همراه کاروان اسرای کربلا بود، وقتی قرار شد اسرا از شام به مدینه برگردند به یزید گفت: حالا که قصه تمام شده است اجازه بده، یک چیزی بگویم: «در راه کوفه تا شام، ما خیلی این بچه‌ها را اذیت کردیم و کتک زدیم، ولی من دقت کردم حتی یکی از بچه‌های حسین (ع) هم یک حرف بد یا ناسزا به ما نگفت! اینها خیلی خانواده نجیبی بودند» این درحالی است که امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: هر کدام از بچه‌ها که شروع به گریه می‌کردند با چوب نیزه به سرش می‌کوبیدند ...

یکی از دلایل تأخیر در ازدواج، تلقی‌های ناصحیحی است

که از ازدواج در ذهن مردم شکل گرفته/ انتقاد از تکه

کلام «فلانی خودش را بیچاره کرد و رفت زن گرفت!»

در اولین قدم برای رسیدن به یک خانواده خوب باید نگاه و تلقی خود را نسبت به «خانواده» اصلاح کنیم. ابتدا باید ببینیم نگرش و تلقی ما نسبت به خانواده چیست؟ آیا تلقی ما نسبت به خانواده این‌گونه است که خانواده را یک مفهوم با عظمت و باشکوه ببینیم؟ آیا خانواده را محل خودسازی و مجموعه‌ای شبیه پادگان یا ورزشگاه البته توأم با لطافت و مهربانی می‌بینیم یا آن را محل ول بودن و راحتی مطلق تلقی می‌کنیم؟ آیا خانواده را شبیه مسافرخانه می‌بینیم که فقط محل استراحت و غذا خوردن است یا آن را جایگاهی برای ایفای نقش و مسئولیتی مهم می‌دانیم؟ متأسفانه بعضی‌ها تلقی منفی و نادرستی نسبت به خانواده دارند. مثلاً می‌گویند: «فلانی خودش را بیچاره کرد و رفت زن گرفت»

یا می‌گویند: «می‌دانید یک خانم باهوش چه شوهری را انتخاب می‌کند؟ یک خانم باهوش اصلاً هیچ‌وقت ازدواج نمی‌کند!» این حرفها به لحاظ روانی اثر بدی روی جوانان خواهد داشت و به مرور تلقی آنها را نسبت به ازدواج خراب می‌کند. یکی از دلایل تأخیر در ازدواج همین تلقی‌های ناصحیحی است که از ازدواج در ذهن مردم شکل گرفته است. نشانه این تلقی‌های غلط همین تکه‌کلام‌هایی است که درباره ازدواج درست کرده‌اند، یا اینکه بعضی‌ها سختی‌های تشکیل خانواده را به صورت مبالغه‌آمیز بیان می‌کنند، یا درباره آن منفی‌بافی می‌کنند و متأسفانه کمتر کسی را دیده‌ایم که از بابت زیبایی‌ها و خوبی‌های خانواده شکر کند.

تلقی ما از تشکیل خانواده خیلی مهم است. تلقی ما نسبت به خانواده، بر اینکه چگونه همسری انتخاب کنیم یا برای ازدواج فرزندان سراغ چه خانواده‌ای برویم، تأثیر دارد. اینکه بعضی خانواده‌ها در انتخاب داماد، نسبت به مال و اموال یا سطح اجتماعی یا سطح سواد او خیلی سختگیری می‌کنند به خاطر این است که تلقی آنها نسبت به تشکیل خانواده، درست نیست و شاید خانواده را وسیله‌ای برای قیافه‌گرفتن و فخرفروشی می‌دانند. بعضی از دختر خانم‌ها صریحاً می‌گویند: «این آقا پسر زیاد به من نمی‌آید! اگر ما با هم در خیابان راه برویم، مردم می‌گویند این دوتا به هم نمی‌آیند!» این قبیل افراد در ظرف «مردم می‌گویند» زندگی می‌کنند و تلقی‌شان از خانواده به این بستگی دارد که مردم چه چیزی درباره‌اش بگویند.

خیلی از آقایان طبیعت زن را نمی‌شناسند / مرد در قبال

سخن تلخ همسرش باید سکوت کند

خیلی از آقایان که ازدواج می‌کنند اصلاً جنس زن را نمی‌شناسند و تلقی درستی ندارند. مثلاً نمی‌دانند که طبیعت خانم‌ها-نه خانم‌های خودساخته- این‌طور است که وقتی زبان به گله و شکایت باز می‌کنند به طور مطلق انتقاد و ناشکری می‌کنند و وقتی از دست شوهرشان ناراحت می‌شوند، ممکن است به او بگویند: «من اصلاً هیچ خیری از تو ندیدم»

(لِأَنهَا إِذَا غَضِبَتْ عَلَى زَوْجِهَا سَاعَةً تَقُولُ مَا رَأَيْتُ مِنْكَ خَيْرًا قَطُّ؛ مستدرک الوسائل/۱۴/۲۴۴ و لَا يَشْكُرَنَّ الْكَثِيرَ إِذَا مُنِعَ الْقَلِيلَ؛ من لايحضره الفقيه/۲/۵۵۴) وقتی یک زن این را بگوید باعث می‌شود که شوهرش تصور کند او از شوهرش متنفر است در حالی که واقعاً این‌طور نیست و شوهر باید در چنین مواردی سکوت کند. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «خانم‌ها در گفتگو با شما چندان خوب حرف نمی‌زنند (گاهی زبانشان تلخ و تند یا نارسا است) و شما مردان این مسأله را با سکوت خودتان پوشش دهید؛ إِنَّمَا النَّسَاءُ عَيٌّ ... وَ اسْتُرُوا الْعِيَّ بِالسُّكُوتِ» (کافی/۵/۵۳۵ و من لايحضره الفقيه/۳/۳۹۰)

در خانواده، زن و مرد با تفاوت‌های بسیار زیاد و آشکار در کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرند که این تفاوت‌ها هم موجب شیرینی‌هایی می‌شود و هم موجب تلخی‌هایی می‌شود. اگر شما این مسأله را پیش‌بینی نکرده باشید، نه ظرفیت برخورداری از شیرینی‌هایش را خواهید داشت و نه ظرفیت تحمل و برخورد مناسب با تلخی‌هایش را خواهید داشت. اصلاً خدا این دو جنس مخالف و متفاوت از خیلی جهات را در خانواده کنار هم قرار داده تا تعارض‌ها و تناسب‌های این دو در کنار هم‌دیگر دیده شود و ببیند این دو علی‌رغم همه اختلاف‌هایی که دارند، در طول زندگی مشترک چه عکس‌العمل‌هایی در قبال هم انجام می‌دهند. در واقع این دو (زن و شوهر) با همه اختلاف‌ها و تفاوت‌هایی که با هم دارند باید هم‌دیگر را کامل کنند و به تکامل برسند.

هر همسری که انتخاب کردی باید بگویی: «این را خدا

برای من خواسته» / پیامبر(ص): اگر من هم برایت دعا کنم

باز همان همسری که خدا مقدر کرده نصیبت خواهد شد

شما در امر انتخاب همسران دقت کنید اما بدانید که خودتان

زیاد تعیین‌کننده نیستید، لذا هر انتخابی که صورت گرفت

علی‌القاعده باید بگویید: «این را خدا برای من خواسته است»

ادامه دارد ...

خانواده خوب ۶

چه کنیم تا خانواده موفقی داشته باشیم؟!

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)

